اهمیت تاریخی جلال اباد :

قرار یکه میدانیم سابقه تاریخی این شهر بسنوات بسیار قدیم بر میگردد زمانیکه از تمدن وتخنیک چشمگیر امروزه و وسایل سریع السیر حمل و نقل کنونی اثری نبود ومردم فاصله های زیادی را باپای پیاده ویا با سواری حیوانات سواری و بار بر چون شتر، قاطر، اسپ، خر وغیره طی طریق می نمودند واین شهر یکی ازهمان شهرهای بود که سر راه قافله ها وکاروانهای مسافران وجهان گردان وبازرگانان وکشورکشایان ان زمان ها قرار داشت چون در انوقت ها راه استفاده برای این منظور رسانیدن سامان الات تجارتی از یک نقطه به نقطه دیگر جهان خصوصاً در قاره های پر نام ونشان اسیا واروپا عمدتاً از دو طریق

صورت میگرفت ؛

که یکی راه شرق وغرب ودیگری راه شمال وجنوب بود

خوشبختانه یا بدبختانه هردوی این راه

کاروانی وصعب العبور از سینه افغانستان مروض

ویاامپراطوری اریانای قدیم میگذشت که اولی ان ازشرق

دور یعنی چین اغاز شده ترکستان شرقی راعبور نموده

ازطریق تاشکند ، بخارا وسمرقند وارد شهرپرجلال

بلخ بامی ویاام البلاد افغانستان گردیده ازطریق

هرات راه غرب رادرپیش گرفته بداخل کشور

باستانی ایران شده وارد مناطق خلیج فارس

درشهرهای تجارتی وپیشرفته ان وقت کوفه وبصره

میگردیدند وبعد بسایر نقاط جهان راه باز نموده

پیش میرفتند وهمچنان یک شاخه دیگری ازین راه

بسوب جنوب میلان نموده ازطریق بلخ ، پلخمری

. اندراب وپنجشیر داخل ساحه کابل زمین میشد

که سپس بمقصد رسیدن به نیم قاره هند از راه کابل
وجلال اباد ، پشاور به لاهور ودهلی منتهی میگردید .

وهکذا راه شمال وجنوب هم از اروپای امروز
اغاز واز طریق فرانسه ، المان ، روم ویونان قدیم ،
و بلغارستان از طریق اسیای صغیر یا استانبول امروزه
وقسطنطیهٔ قدیم ، ترکیه ، عراق ، ایران ، هرات ، کابل
وجلال اباد وپشاور ویا از راه هرات، قندهار وارد
کویته پاکستان ویا هند بریطانوی انوقت میشد
که البته در بازگشت هم از همین راه ها استفاده بعمل می امد

اهمیت ستراتیژیکی جلال اباد :

معهذا این دو خط السیر همچنانیکه راههای
تجارتی ومواصلاتی مردمان فاقد وسایل حمل ونقل
پیشرفته کنونی محسوب میشد ، طرق سوق الجیشی
وتهاجمی جهان کشایان وامپراتوران استعماری سابق

برمناطق این سامان نیز بشمار میرفت ،

بنابران همانطوریکه این راهها اهمیت

بسزائی بتجارتی داشتند ارزش و منزلت

استراتیژیکی و نظامی را نیزجائز بودند که

درجمله این شهرکوچک نیزارزش خاص

خودرا احتواکرده وحفظ نموده است .

چنانچه هجوم شاهان مغولی بنیم قارۀ

هند وتهاجم سکندریونانی' ابومسلم خراسانی

بدین صوب وغیره ازهمین معبرتاریخی

واستراتیژکی صورت گرفته است و همچنان

حملات فاتحانه بزرگ شاهان غیورافغانستان

چون سلطان محمودغزنوی و احمدشاه درانی

تاقلب هندوستان ازهمین راهها پیشرفته است

و باعث فتوحات اسلامی وشکست بت ها

و بت پرستی هادر بت خانه های مشهورسومنات

هند گردیده است که تاریخ با نقش زرین و عناوین
درشت خود بران گواه است .

باوصف این، اهمیت سوق الجیشی واستراتژیکی
این شهر وقتی خوبتر ظاهر میشود که افغانستان
در مدت زمان تسلط دوصد ساله انگلیس ها
بر نیم قاره هند چندین بار مورد تاخت وتاز
فرنگیان استعمارگر و امپراتور ظالم عصر قرار
گرفت خصوصاً سه حمله متجاوزانه وخون
آشام ومشهور بریطانیا برکشور مظلوم
وبیچاره ما در درجه اول علاوه بر مناطق
دیگر از همین شهر نزدیک بمرکز کابل
صورت پذیرفته است فلهذا اهمیت ومطمح
نظر بودن این شهر از هر نگاه واضح
وثابت بوده که صفحات تاریخ از ذکر اهمیت آن
خودداری نتوانسته است .

بناءً چون دران وقتها و هر وقت دیگر
شاهان وزمامداران افغانستان به اهمیت
استراتژکی این محبس پوره مستشعر بوده
ازین ناحیه بیشتر احساس خطر می نمودند
لهذا انرا از نظر دور نداشته توجه عمیق
خود را در استحکام و تقویه دفاعی ان مبذول
نموده اند و برای جلوگیری از هجوم مکرر
دشمنان و بخاطر دفاع از کشور مورد تاخت
وتاز اجانب و جهان کشایان در استحکامات
دفاعی و تجهیزات نظامی این شهر کوشش
و توجه اعظمی بخرچ داده انرا بحیث یک سنگر
بااطمینان دفاعی در اورده اند چنانچه هفتم
حصه نیروی دفاعی کشور سابق ایالتی افغانستان
بنام قوای (۱۱) در همین شهر استقرار و پادگان
داده شده است که از چند ایالت شرقی هراست

ودفاع می نمایند

اهمیت جلال آباد از نگاه روس در هجوم شن بافغانستان :

مخصوصاً امر استحکام بندی وتقویت شهر جلال اباد و قلعی تشدید می یابد وبقوت خود میرسد که کشور اسلامی و برادر پاکستان بعد از حصول استقلال کامل وازادی در سال ۱۹٤۷ م از نیم قاره هند جدا می شود ، تحریکات و تبلیغات دشمنان اسلام بویژه انگلیسها و روسها برای جدا نمودن منطقهٔ بنام پشتونستان از پیکر واحد پاکستان ازیکطرف باحدّت هرچه بیشتری براه انداخته میشود واز طرف دیگر ازجانب حکومات مزدورمنش کابل همواره صداهای از هنجرهٔ رسانه های نشراتی شان باسم واپشتونستان ، واپشتونستان

و پشتونستان آزاد وغیره سر میدهند
مخصوصاً این امر در زمان عهده داری
صدارت داود مغرور بعد نهائی خود میرسد
و تا سر حد قطع روابط سیاسی پیش میرود
و تا اینجا برین اتش دامن زده میشود که
در عهد این جلاد تاریخ و مستبد خودخواه
چند بار علیه دولت برادر پاکستان تدارکات
نظامی و تحریکات جنگی صورت میگیرد و حتی
سفربری های وسیع حربی اعمال میشود
و سعی فراوان و تحریکات دامنه داری
ادامه می یابد تا اتش جنگ بین دو کشور
همسایه و مسلمان مشتعل گردد که خوشبختانه
کار بنزاع و درگیری گرم نکشیده در همان
نقطهٔ جنگ سرد متوقف می ماند .
بار دیگر این اتش افروزیها باز هم در زمان

تصدی همان داو دغلام حلقه بگوش اجانب وگوش بفرمان باداران خارجی ازمس گرفته شده اکثر برنامه های رادیو کابل یگانه وسیله نشراتی حکومات مزدور پیرامون قضیه پشتونستان دور میخورد وبودجه هنگفتی درین راه بمصرف میرسد ویک صفی بزرگی بنام قبایل در برابر دو دولت برادر پاکستان وافغانستان بوجود آورده میشود وبدین وسیله موجب کشیدگی هائی فراوان بین دو مملکت همجوار ، همکیش وبرادر گردیده بر تشنج اوضاع میافزایند .

ازهمین لحاظ و با احساس خطر بیشتر به تحکیم سرحدات دو کشور سعی بلیغ بعمل امده خصوصاً در تقویه مواضع استراتژکی شهر جلال اباد بیشتر از پیش توجه عمیق مبذول میگردد .

بنا بران حکومات وقت افغانستان به تشدید مواضع خود درین شهر پرداخته انواع پیش بینی ها پیشگیرانه واقدامات احتیاطی را بکار گرفتند وپناهگاهای دفاعی ودهلیز های مستحکم ارتباطی در زیر زمینی ها حفر کرده مواد لوژستیکی ومهمات جنگی ومواد غذائی وسائر ساز وبرگ نظامی خودرا در گدام ها وذخیره گاههای مخفی وجابجا کرده اند .

خصوصاً درین مدت پانزده سال جها دخونین وانقلاب اسلامی که واضحاً حکومت داخل افغانستان یک حکومت ملحد ، مستبد وغیر اسلامی بوده وبا دولت این سوی مرز که یک دولت اسلامی ومهربان و بشر دوست بوده که از یک تعداد مهاجرین پناه ومجبور افغانستان دلجوی وحمایت های انسانیت کارانه و بشر دوستانه واسلامی نموده از در مخالفت

بسم اللہ الرحمن الرحیم

جنگ جلال آباد

نویسندہ

شاہ محمود "خرد"

ناشر

تاج محل کمپنی ڈھکی منور شاہ
قصہ خوانی پشاور شہر

وخصومت پیش امده حمایت و دستگیری انسانی
اورا اعمال دشمنانه تلقی کرده در برابران باتمام
نیرو صف ارائی نموده است .

باین اساس هرچه در توان داشتند در تقویت
این شهر پرداخته وانرا بحیث یک دژ مستحکم
نظامی حاضر بهر نوع جنگ در اورده اند .

پس این همه عوامل باعث گردیده که حکومات
افغانستان عموماً در حالت دفاعی واستحکامات
نظامی شهر سرحدی جلال اباد بیش از پیش
توجه نموده مواضع مستحکم دفاعی وتونل های
طویل ارتباطی وذخائر بزرگ مهمات وغیره
تعبیه نمایند وبدان ، حالت یک قلعه حصین جنگی
وحتی یک سنگر قوی تهاجمی بدهند .

بدین ترتیب انچنانیکه تاکنون درباره جلال اباد
فکر وبرداشت شده درست نیست چه چنان



تصور نشود که این شهر همانند سایر شهرهای
باین وضعیت افغانستان حالت جنگی مشابه داشته است
بلکه وضع این شهر بحیث یک محبر استراتیژیکی
و نظامی با دیگر شهرها فرق بارزی دارد زیرا
در این شهر پادگان قوای عالی افغانستان بنام قول
اردوی مشرقی با تمام تجهیزات جنگی مستقر میباشد
و تصور اینکه این شهر با هجوم چند روزه چند
صد نفر محدود مجاهدین فاقد هر نوع تجهیزات
مشابه بزودی و در مدت کوتاهی سقوط خواهد کرد
فکریست خام و دور از واقعیت و ارزیابی بلکه علی الرغم
پندار بعضیها میتوان گفت استحکامات نظامی و دفاعی
جلال اباد بعد از کابل در درجه دوم قرار دارد .

اهمیت جلال اباد از نگاه روس در هجومش با فغانستان :

روس از همان اوائل تجاوزش بر کشور افغانستان متوجه اهمیت
شهر جلال اباد بود بدلیل اینکه او میدانست یک تعداد



از افراد چین فهم و تحریکی بنام راخوانی، چه
درزمان بقدرت رسیدن حکومت ملحد
دست نشانده اش در کابل وچه قبل ازان
در عهد داود جلاد بابراه انداختن جنبش اسلامی
درکشور مسلمان افغانستان خاک میهن را ترک
وبکشور های همسایه وهمجوار پاکستان
وایران مهاجر وپناهنده گردیده اند
وحدس میزود که امکان بروز بحران ونا آرامی
ازجانب سرحد شرقی کشور خصوصاً بیشتر
متصور است وازجانبی هم فکر میکرد که
که با اشغال بی شرمانه اش برین خطه اسلامی
دول اسلامی همجوار پاکستان وایران آرام
ننشسته دست باقدامی خواهند زد
وبرضد اشغال غیر قانونی افغانستان
یاخود ویاتوسط همان عناصر مهاجر شد
عملیات آزادی خواهانه را براه خوهند انداخت

وازین طرف ناحیه شرقی مخصوصاً شهر مرزی جلال اباد را
ناارام خواهند ساخت و مزاحمتی به اشغال غیرقانونی
او ایجاد خواهند کرد ، بناءً ازهمان اوائل حمله خود متوجه
این شهر بوده و سایل جنگی بزرك وتجهیزات ثقیل چون
تانگهای تومبدار وراکتهای دوربرد خودرا قبل ازهمه
بهمین شهر سوق داد تا احتمال وقوع هرگونه عکس
العملی را دفع نماید ولی بزودی متوجه شد که این گمان
وسنجش وی عاری ازحقیقت برامده جامه عمل نپوشیده
وکدام واکنش عملی ازجانب دولت پاکستان بملاحظه نرسید
فلهذا اطمئن شد که دیگر ازجانب پاکستان کدام خطری
یاتهدیدی مستقیماً متوجه شان نمیباشد فلهذا تمام وسایل
ثقیله زرهی ودوربرد خودرا که درین شهر جابجانموده
بود، دراخر سال دوم واوایل سال سوم
هجومش ، دوباره بروسیه

مراجعت داد که این وضع در همان اوان باعث شگفت و تعجب بینندگان و خبرنگاران خارجی گردیده بود زیرا که روس با حمله غیر قانونی خود بر این کشور از طرف کشورهای اسلامی بخصوص ایران و پاکستان احساس خطرات می نمود و میدانست که حمله ظالمانهٔ را علیه یک کشور کوچک و همسایه خود انجام داده و آن را در اشغال غیر مجاز و مخالف همه موازین بین المللی خود در آورده است لهذا در حدس و گمان خود درین باره حق بجانب هم بود چه هر کس باشد این واقعیت را درک کرده از یک تجاوز عریان و غیر عادلانه پنداشته و در برابر آن بهر سویه که باشد خاموش ننشسته حرکتی از خود نشان خواهد داد . بناء درک خطر روس از این ناحیه بنابر اعمال خودش ثابت و واقعیت بوده اما کشورهای همسایه افغانستان مخصوصاً پاکستان از مآل اندیشی کار گرفته برای جلوگیری از وخامت بیشتر و ضایع

در منطقه از اقدام مقتضی ومستقیم خود داری ورزید
کدام عکس العمل صریحی از خود نشان نداد وتنها بحمایت
بشر دوستانه وانسانی خویش از مهاجرین ومجاهدین
اکتفا ورزیده کمکی راکه از دست شان میشد دریغ ننموده
ودر جلب کمکهای بین المللی برای سیل پناهندگان
افغانی که روز افزون بود بذل مساعی ننموده
تا بار سنگین مصارف کمر شکن مهاجرین را
که روز مره افزایش می یابد از دوش خود که
یک دولت در حال رشد وکم بضاعت است بکاهد
که چنانچه دیدیم وضع تاحال بهمین منوال
جریان دارد .

وضع مهاجرت مردم مسلمان ننگرهار :

مردم مسلمان ولایت ننگرهار ازجهان طبیعی

نفس افغان جهاد و انقلاب اسلامی کشور نسبت نزدیک
بودنشان بدار هجرت به هجرت اقدام کرده
اکثریت قاطع شان دار و ندار خود را بدون اینکه
کدام وضع نامطلوبی برای شان پیش آمده باشد
ویا تحت فشار دشمن وحملات روس قرار گرفته باشند
ویا به خانه و اموالشان بمباردویا تخریبی روبنما گردیده
باشد بدون تامل و فکر خالی شدن پشتوانه جهادی
بمناطق همجوار و نزدیک بمرز کشور مهاجر
و پناهنده شده وخویشتن راقبل از اینکه بکدام
جنگ یاجهادی مواجه شوند از منطقه برون
کشیدند ، چون اوائل مهاجرت واستانه فرار
مردم مسلمان افغانستان از اتش ظلم وکشتار بیرحمانه
متجاوزان روس بود طبعاً در دیار هجرت باجبین کشاده
استقبال شده قدرت ومنزلت بهتری هم بدست اوردند
و مقام وماوای خوبی حاصل کردند ،

بناءً از طرف برادران انصار وهم کیشان پاکستانی شان خصوصاً مردم مسلمان ایالت شمال غرب پشاور که در عرف وعادات زبان ، کلتور واعتقادات ، ائن ومذهب وسایر عنعنات وغیره مشابهت وقرابتهای زیادی بهم میرساند بخوشی پذیرا ئی گردیدند وازهمه وسائل زندگی مهاجرت وسهولتهای ان برخوردار شده زمینه های راحت وارامی برایشان فراهم گردیده ودر اماکن دلخواه ومورد پسند خویش جا بجا واسکان داده شدند چنانچه همین اکنون کمپ های نزدیک بشهر پشاور چون : کمپ ناصر باغ ، کچه گرهی وغیره که از اولین کمپ های مهاجرین محسوب می شود از همین برادران میباشد .

• با این وصف عده قلیلی از مردم که انجا ماندند یا علاقه به هجرت نداشتند ویا قبلاً تحت تاثیر مفکوره پلید کمونیزم قرار گرفته ویا بعداً از زیر تاثیر ملقینات دولت مزدور روسی

در آمدند و بمفکوره ضد جهادی و ضد اسلامی تحریض و مغز شوئی شدند و یا از بیم هجوم اخوانیها بنام اشرار وغیره از خانه و دیار خود از اطراف و نواحی دور دست ولایت بر آمده بمراکز شهرها در داخل کشور پناه بردند ویا هم به سبب تشویق دولت ملحد وجلب وجذب ایشان با پیش کش نمودن معاش واجرت زیاد در ازای اطاعت از دولت لادین ویا بعلت مجبوریت های اقتصادی وحیاتی دیگر بحیث عساکر وملیشه های دولتی در آمدند ویا از خوف هجوم و بی مبالاتی مجاهدین منطقه که در مراحل نخست دارای نظم درست واصولی وشعوری هم بنودند در تحت سایه وحمایت دولت کافر پناه بردند وبهرصورت تیکر بود در شهرها ومراکز ولایت تجمع نموده کتله های واحد ومنسجمی را تشکیل دادند وتحت لفظ افراد خاد و کاجی بی وجاسوسان حرفوی دولت روس قرار گرفتند

که اینک بد بختانه قسمت اعظم ان بر شکل افراد خاد
ت بیه و بکار های ضد جهادی و اسلامی گماشته شده
در جنگ علیه مجاهدین استخدام گردیده اند .

همین افراد بودند که بعد ترهم بحیث صفوف
مخالف مجاهدین عرض اندام کرده بصورت
ملیشه ها ویا گروههای مدافعین سر سخت
دولت ملحد بار امدند ودر طول مدت یازده سال
جهاد و مقاومت کمترین مشکلی هم از جانب مجاهدین
البته نسبت عدم دسترسی ایشان بمناطق مرکزی
و مرکز شهرها متوجه انها نگردید واز این طریق
اندیشه نیز برای شان ایجاد نشد فلهذا این
وضع را قدرت دولت ملحد وحمایت و پشتیبانی
ان از خویش قبول کرده بیش از پیش بان گرویدند
و تاحال در سنگرها و مواضع مستحکم دولتی خود
با فراهمی همه وسایل رفاه حیاتی و عیاشی بمقاومت

فهرست مندرجات :　　　　　　　　　　　　　　　　　　　　صفحه

ادامه میدهند و مقابله با مجاهدین را در این هنگام واجب ذمه خود پنداشته و از تسلیمی خود را به مجاهدین باعث ناآرامی و از بین رفتن زندگی مرفه و ننگین خویش میدانند لهذا اتاجان در تن دادن بمقابله و مقاومت در برابر مجاهدین ادامه میدهند .

وضع جهاد در جلال آباد :

همانطوریکه گفته آمدیم واقعاً روسها اهمیت سوق الجیشی و موقعیت مرزی جلال اباد را بخوبی درک کرده بودند وانرا بحیث یک منطقه خیلی حساس و معروض مخاطرات میدانستند بناءً از همان اغاز هجوم بیشرمانه شان باین مأمن رادمردان متوجه ان بوده قوای منظم ثقیل و خفیف

مختلف خود را در بطن قوای موجود در این شهر جابجا کرده و حالت دفاعی و حتی تعرضی مستحکم را بخود گرفتند چنانچه قبلاً نیز اشاره نمودیم که روسها خطر مداخله دولت پاکستان را نزدیک و یقینی حساب میکردند پس تهیه و تعبیه هر نوع وسائل دفاعی و تهاجمی پیشرفته چون هوائی، زرهی و زمینی را در آن جا - پیش بینی کرده بودند .

حکومت ایادی روسها در کابل نه تنها بتحکیم مواضع شان در جلال اباد پرداخت بلکه علاوه بر ولسوالیهای ولایت ننگرهار و مناطق مربوطه آنها، حومه و اطراف شهر جلال اباد را نیز از نظر بدور نداشته در جابجائی افراد و تمرکز نیروهای ارتشی خود در انها بقدر کافی همت گماشتند و در هر ولسوالی و علاقداریها

افراد ملیشه ومدافعین وحامیان ملحد خود را
موضع دادند مثلا از ناحیه شرقی تا مرز
طورخم متصل سرحد پاکستان واز دیگر
نقاط نیز تا منتها الیه ولایت قوا مستقر نمودند
بناء کمربند های قوی امنیتی و تحفظی را
در اطراف دور دست شهر جلال اباد
ایجاد نموده امنیت انرا تا جای که ممکن مینمود
تامین واز خطر حملات احتمالی مجاهدین
دور ساختند روی این ملحوظ مجاهدین
ونیروهای مقاومت نتوانستند حملات
وعملیات مشابه وهمانند سایر مناطق کشور
شهر جلال اباد داشته باشند واز جانب دیگر مجاهدین منطقه از حملات بالای
بالای مرکز ولسوالیها وعلاقداریهای دور ونزدیک
فارغ وفاتح شده امدند تا راه عبور بصوب مرکز
جلال اباد را باز نموده در عملیات های بر زشن
ضربات کوبنده وموثری انجام میدادند

ازبین و جن اطراف و لسولیها ، اکثر مراکز انها همچنان بدست دولت باقی ماند ، پس باین حساب کمربند امنیتی چند حلقهٔ دولت ملید در اطراف شهر جلال اباد تا اخرین روزهای حمله مجاهدین بر طورخم پا برجا بود ، گویا در طول ده سال جهاد هیچ حمله ولو کوچک بر شهر جلال اباد صورت گرفته نتوانست و تاکتیکهای جنگی و دفاعی افراد مستقر در سنگرهای شهر همچنان در پرده مکتوم ماند و نیروهای مخفی در مواضع ان کمترین ضربه یا فشاری را از سوی مجاهدین احساس نکردند پس این حالت باعث تزئید و تحکیم موقف دفاعی و تقویه روحیه جنگی انها گردیده غرور سلحشوری و مقاومت پذیری انها را پرورش داده بلند برد

وازجانبی هم مجاهدین جلال اباداین شهرت را
ازخود نشان ندادند که باوجود قرب
مواضع جهادی وفراهمی مواد ضروری
وکوتاهی راههای عقب نشینی شان
حتی الامکان وسائل وترتیب یکان حمله
بشهر را تدارک دیده یکی دوعملیاتی را بالای
ان انجام میدادند وازخوف وهراس حملات
وپیشگیرانه جبهات عقبی یاجناحی دشمن
باین اقدام مبادرت نورزیدند که اکنون
باعث تضعیف مورال دشمن وشکست
انها وسبب تقویه روحیه افرادمجاهدین
وموفقیت ایشان میگردید .

وعلاوةً چنانکه پیشتر یاداورشدیم
مجاهدین نظر به پیشگوئیهای زمامداران
جهادی این نکته را درنظر داشتند که

روزی اگر حکومت جلای وطن تشکیل می شود
همانگاه بآسانی می شود شهر جلال ابا د را
تسخیر و حکومت ملحد را سرنگون و بجایش
حکومت موقت مجاهدین را مستقر ساخت
یعنی قبل بران ضرورت به نا ارام ساختن
منطقه و ایجاد تشنج دیده نمیشود زیرا
درانصورت دولت متوجه گردیده به تقویت
افراد و مواضع خود بیش از پیش میپردازد
پس چه بهتر که دولت غافل نگهداشته شود

تصورات واهی یا پیشبینی های ناسنجیده :

این تصورات یا پیشبینی های قبل از وقت
را میتوانیم طی چند مورد ذیل توضیح دهیم :
۱- سران جهادی و دیگر منابع ذیعلاقه

ومتوجه داعیه افغانستان دربدو وهله چنان فکر مینمودند که بعداز خروج کامل نیروهای ارتش سرخ از کشور بایک دو حمله مشابه بسقوط لانه های مزدوران روس درمیهن وجلال اباد نیز به پیروزی یهای زودرس نائل میشوند وحکومت مزدور را دران شهر بفوریت سقوط داده بدون چون وچرا ویاکدام مقاومت جدی بفتح ان دست میابند واین شهر که درچند قدمی شان قرار دارد یارای مقاومت را در برابر مجاهدین دلیر وروس شکن ندارد واز طرف دیگر چون رهسر مجاهدین بزودی وبسهولت میسر شده وراههای عقب نشینی درحالت اضطراری نیز کوتاه میباشد واز جانبی هم فتح ولایت کنرها بروحیه نیروهای ملحد وخودفروخته اش

منفی بجا گذاشته انها را در حالت فرار شکست قرار خواهد داد واز سوی دیگر انسداد یگانه راه ارتباطی و تدارکاتی دشمن یعنی راه کابل وجلال اباد کار ساده بوده بدون موانع میتوان انرا مسدود نمود واز رسیدن مواد نظامی ومهمات جنگی ودیگر ضروریات حیاتی عناصر داخل سنگرها ومواضع حکومت ملحد مانع شد وبدین وسیله راه سقوط شهر جلال اباد را هموار وفتح انرا تسهیل بخشید .

۲- مجاهدین فکر مینمودند که یگانه مشکل اساسی ایشان در مسیر راه ازادسازی افغانستان از دنباله روان روسی ودست - نشاندگان بیمقدار انها همانا تشکیل حکومت موقت انهااست وبس وبه مجرد اعلان

حکومت مجاهدین دیگر جریان خود بخود پیشرفته روحیه حکومت ملحد روسی بنیاد بکلی مضمحل گردیده سقوط می نماید وفرار را برقرار ترجیح داده حکومت را به مجاهدین تسلیم خواهند کرد .

باین اساس به محض تشکیل حکومت عبوری وموقت اعلان شد که در ظرف یکماه حکومت موقت مجاهدین بداخل افغانستان انتقال مستقر ودر کمتر از چند روز شهر جلال اباد فتح وبدست مجاهدین خواهد افتاد .

۳ :- در عین زمان فکر میشد که دشمن همچنان که در سایر جبهات افغانستان بدست پر توان مجاهدین رو بشکست رفته وتوان مقابله را از دست داده است خصوصاً درحالیکه حامیان روسی شان که سبب تقویه روحی وتسلی

قلبی و پشتیبان بشری شان در مقابله و مقاومت
علیه مجاهدین دلیر و سر بکف بوده از پهلوی شان
دور شده پیش نظر شان تاب مقاومت نیاورده
راه فرار پیش گرفتند و غلامان خود را از حمایت
و حفاظت خود بی نصیب کرده تنها گذاشتند
زود خود را باخته بدون اندک مقاومتی صحنه را
برای شان رها خواهند کرد و ...

ازین قبیل پیشبینی های زیادی بعمل امد
که تماماً غیر واقع بینانه و دور از واقعیت
و بدون ارزیابی توانائی دشمن صورت
گرفته که نتیجه همچنانیکه دیدیم غلط
از اب در امده مقاومت دشمن را بطول کشید
بر خلاف باعث تقویه روحیه عساکر حکومت
کابل و سبب تضعیف مورال مجاهدین گردید

بسم الله الرحمن الرحیم

جنگ جلال آباد :



پیشگفتار :

در مورد جنگ جلال اباد از همان اغاز جنگ بلکه حتی قبل از ان باحدس وگمان های چنان پیشگوئی ها بعمل میامد که نشان میداد قضیه افغانستان که بیش از ده سال است در خون واتش غوطه خورده ، یکبارگی خاتمه یافته ، شهرها ومراکز عمدهٔ کشور یکی بعد دیگر در استانه سقوط وفتح قرار دارد خصوصاً شهر مرزی جلال اباد که در قدم اول ولبه این فتوحات واقع میباشد .

و موقف جهاد پرافتخار افغانستان را از اساس بزمین زده وسیله بدنامی مجاهدین واقعی در جلال اباد ودیگر جبهات کشور شده موجب تبلیغات سوء جهان بدبین اسلام علیه حکومت اسلامی مجاهدین در نقاط مختلف جهان ورسانه های گروهی انها شده است .

اشتباهات طرح حمله بر جلال اباد :

طرح پلان حمله بر شهر جلال اباد و هجوم عجولانه بر ان ناشی از عدم دقت طراحان بیخبر از اوضاع جنگ در افغانستان و ناعاقبت اندیشی های انها و در نظر نگرفتن وضعیت استراتیژیکی جلال اباد وبدون بررسی دقیق قوت دشمن ونیروی منظم وچندین ساله او در ان صورت گرفته است

وهمانطور که دیدیم نتیجه هم نادرست بودن
این پلان وغلطی این طرح را نشان داد وعدم
وقوف طراحان این هجوم ناشیانه را از اوضاع
جنگ با نیروی مجهز و مدرن وکاران موده
مزدوران روسی در مدت پانزده سال گذشته
برملا ساخت واین برنامه زیان بار را از
هرجانبی که بوده بکلی نادرست وغیر عاقلانه
ثابت نموده واز قراریکه می شنویم این پلان
از جانب مسئولان جهادی کشور طرح نگردیده
بلکه نظر باشنیدگی (۱) با دست دیگران عملی
شده است که این کار نه تنها سبب شکست

(۱) نظر به پخش اخبار رادیو صدای امریکا این پلان توسط جنرالان
پاکستان بشمول سفیر امریکا طرح وعملی شده است .

مجاهدین در جنگ مذکور گردید بلکه باعث پروپاگند
و تبلیغات تند دشمنان بخصوص حکومت مزدور
کابل علیه مجاهدین نیز گردیده است .

شنیدانیم از حمله بر جلال اباد چه نفعی عائد
مجاهدین میگردید ؟ اگر منظور استقرار حکومت
موقت در جلال اباد بود باز هم چه مفادی در قبال
داشت (۱) زیراکه جلال اباد یک شهر هموار
و برای مجاهدین بدون مواضع چریکی محلی
میباشد و از نگاه ستر و اخفا مناسب دیده
نمیشود و بدون سنگر های استراتیژیکی و پناه
گاههای چریکی در اطراف شهر بوده و هر
نقطه ان از دید سلاحهای ثقیل و دور برد -

(۱) قرار اظهارات جنرال نذیر سراج یکی از افسران سابقه در افغانستان
حمله بر قندهار نسبت به جلال اباد منافع بیشتر در بر داشته است .

دشمن مخفی مانده نمیتواند در حالیکه مراکز
مهمتر از این در سائر نقاط میهن سراغ
داریم که بدست مجاهدین بوده از لحاظ
جغرافیائی و سوق الجیشی و حملات چریکی
وضع بهتری دارند و تامدتهای زیادی
میشوند در دست مجاهدین باشند
چون ولایات ازادگوهستان کنرها و بامیان
که از هرنگاه مساعد بوده تادیری میتوانند
در دست مجاهدین اداره وکنترول شوند
حال انکه شهر جلال نمیتواند تامدت
زیادی در اداره مجاهدین حفظ شود .

واگر فکر شود که با فتح جلال اباد
واستقرار حکومت موقت مجاهدین دران
شهر دولت های متحابه ودوست در شناسائی
رسمی ان اقدام نموده و با قائم نمودن مناسبات

سیاسی انواع کمک های خود را باین کشور سرازیر میدارند خوشبینی است دور از واقعیت زیرا اینها بهانه هائیست که در زیر پرده اهداف دیگری نهفته دارد در ضمن ان چنانچه گفته آمده یم مجاهدین چندین ایالات ازاد دارند که حکومت جهادی وعبوری میتواند در یکی از انها مستقر شود ودولتهای که تمایل به برسمیت شناختن داشته باشند از این سمیت قبول کرده مناسبات سیاسی وروابط دیپلوماتیکی خودرا باان قائم و کمکهای مقتضی خودرا ارسال دارند .

از سوی دیگر ایا با فتح جلال اباد می شود گفت که افغانستان را فتح کرد ؟ هرگز نه ! چه اگر واقعاً با فتح یک ویا چند ولایت ومنطقه کشور ازاد گردد ما چند ولایت ازاد و فتح شده داریم که معهذا هنوز نیروهای روسی وایادی وطن

مرکز وشان در کابل حکومت دارند ومراکز
شهر های عمده نیز در دست انها قرار دارند.
من فکر می نمایم که نه تنها با فتح جلال ا با دبلکه
با فتح تمام شهر ها ومراکز ولایات کشور چون :
هرات ، کندهار ، مزار شریف ، کندز وجلال اباد
وغیره نمیتوان گفت که افغانستان ازادگردیده است
چه هر کشوری حیثیت وجودی را دارد که با قطع
قسمتی از وجود مثلا دست ویا پا نمیتوان بحیات
ان خاتمه داد بلکه با صدمه زدن بقلب واز بین
بردن قلب وخاتمه دادن بحیات قلب میتوان
بزندگی ووجودان خاتمه بخشید چون افغانستان
قلب اسیا وکابل قلب افغانستان محسوب میگردد
لهذا با سقوط شهر کابل امکان زیادی فتح میهن
وازادی کشور متصور میباشد زیرا در صورت
سقوط شهر کابل مزدوران روسی در هیچ شهر

دیگری تاب مقاومت نمی اورند وبا فتح کابل نمیتوانیم ادعا نمائیم که افغانستان دیگر درست ابادی روسان وغلامان وطن فروش انها باقی مانده است .

بلی باراندن عناصر ناپاک حکومت کابل ازان شهر ، انها ایا میتوانند پایه های حکومت بیگانه پرست خود را درکدام شهر دیگری از کشور قائم کنند ؟ و ایا میتوانند از مرکز ولایات هرات ویاقندهار بحیث مرکز حکومت استفاده نمایند ویا ازکدام ولایت دیگر این توقع میرود؟ که البته جواب همه منفی است .

ولی تنها اینقدر میتوانند که روز های محدودی را بعدازکابل در شهر مزار شریف یعنی انجائیکه پیش بینی هم دارند ، مرکز ولایت بلخ بحیات خود ادامه دهند واما باکمترین فشاری

همینقدر خواهند توانست که بایک گام بعقب برداشته الطرف روحون الودچیون بزندگی پررنگ خودچند صبحی ادامه بدهند دیگر کاری از دست شان ساخته نخواهد بود .

بنا بدلایل فوق لازم بود بعد از انسحاب نیروهای روس از افغانستان قبل از حمله به شهر جلال اباد ترتیب حمله به شهر کابل مرکز میهن گرفته می شد و تاحال امکان زیادی وجود داشت که بسقوط کامل وحتمی ان می انجامید بالخصوص با این ملتفات جانکاهی که در حملات نافرجام جلال اباد بر مجاهدین تحمیل شده اینجا اینقدر ضائعات زمانی وانسانی بوقوع نمیرسید وکار ان تاحال یکطرفه می شد .

این نکته را نباید فراموش کنیم که فتح جلال اباد درسقوط کابل بی تاثیر نبوده است و تا جائی-

تسلط بر کابل را تسهیل می بخشید اما این نه باین معنی است که سقوط کامل شهر کابل کلاً بان مربوط میبا شد .

با فرض محال اگر جلال اباد فتح می شد و حکومت عبوری هم در ان مستقر میگردید میدا نید چه عواقب ناگواری را بدنبال میاورد؟

الف- بمباران شهر بدون تشخیص و تبعیض دوست و دشمن .

ب- احتمال قوی استعمال گاز سمی دران .

ج- هجوم شدید و همه جانبهٔ دولت کافر دران .

د- امکان کشانیدن دامنه جنگ باپاکستان .

ه- تحریف اذهان جهانیان از داعیه مجاهدین وجلب توجه انها با تبلیغات وسیع بنفع حکومت مزدور .

و- وسرازیر شدن سیل اسای مجاهدین ومهاجرین نسبت قریب بودن مقرشان یا ازجهت

استقبال از فتح ان ، بالاخره هم در محاصره قرار دادن سران جهادی بنام حکومت مؤقت در یک شهر و متمرکز دادن جنگ در یک نقطه محدود وکوبیدن شدید این شهر بحیث مرکز دشمن شان ، مجاهدین ،

عوامل قوت ویا ضعف جنگ جلال آباد :

پس واضح است که هر جنگ دارای پیروزیها و شکستهای میباشد که هر کدام مربوط بعوامل وعللی میگردند که اسباب پیروزی یا شکست یکی از جوانب درگیر را نشان میدهد و این عوامل واسباب همچنان نشان دهنده نقاط قوت و یا ضعف دو طرف متخاصم محسوب می شوندکه اینک ما قبل از همه نقاط قوت و یا ضعف مجاهدین را مورد بررسی قرار میدهیم :

این پیش بینی ها و ابراز نظرات قاطعانه نه تنها
از طرف صاحب نظران و مسئولین جهادی کشور
ابراز میگردید بلکه منجانب دستگاه های نشراتی
و منابع افواه پراگنی های خارجی و رسانه های
جمعی انها نیز چنان [illegible] اظهار می شد
که گوئی تا واقعیت این فاصله کوتاهی درمیان نمانده است

ولی بدبختانه انطوریکه دیدیم جریان چندین
ماهه جنگ مذکور حقائق را برملا نموده نشان
داد که عکس قضیه دارای واقعیت میباشد وانچه
گفته شده از حقیقت بدور بوده نظریات
وپیشبینی های که در ماحول موضوعاتی که
موجب عوامل تداوم جنگ گردیده نمی چرخید
بلکه بر نکاتی تاکید میگردید که در جنگ های
چریکی انقدرها حائز اهمیت نمیباشند وازهمین
لحاظ بود که تبصره ها و پیشگوئی ها نیز مقرون

الف :- نقاط قوت مجاهدین :

اگر ما حقائق را بصورت واقع بینانه و غیر جانبدارانه بررسی نمائیم مشاهده میکنیم که در جنگ جلال اباد نقاط قوت و بالا دستی مجاهدین نسبت به نیروهای مقابل کمتر بوده است بلکه برعکس نقاط ضعف شان نسبت نکات قوت خودشان و نقاط ضعف دشمن خیلی زیاد و چشمگیر میباشد و هکذا نقاط قوت مجاهدین نسبت بنقاط قوت دشمن و نقاط ضعف خودشان ناچیز بوده است که از جملهٔ نقاط قوت مجاهدین درین جنگ ما میتوانیم این مسائل را بشمار اوریم :

۱- شکست کلی و افتابی نیروهای متجاوز وسفاک روسی حتی بلوک کمونیزم و فرار فضیحت بار ورسوایی افراد ارتش سرخ و ترک افغانستان که پیش

نظر همه جهانیان خصوصاً مردم مسلمان افغانستان واقع شد ، میبا شدکه ان خود از دست دادن پشتوانه قوی نظامی و بشری حکومت مزدور کابل بحساب می اید .

۲- شکست های پیهم مواضع دشمن و سقوط چندین ولایت کشور بدست پرتوان مجاهدین بعداز خروج قوای روس که این هم سبب شکست نیروهای دشمن نیز محسوب می شود .

۳- فتح ایالاتی بعداز خروج قشون سرخ از افغانستان بدست مجاهدین در همجواری نزدیک جلال اباد چون ولایت کنرها دکا پیسا وغیره .

۴- اسان بودن انسدادلیگانه راه تدارکاتی دشمن یعنی راه کابل جلال اباد .

۵- مساعد بودن اوضاع جوی در منطقه در شروع جنگ جلال اباد .

۶- همرز بودن این شهر باپشاور مقر نیروهای جهادی ومهاجرین وآسانی رفت وامد مجاهدین درخلال جنگ بآن وهمچنان سهولت عقب نشینی مجاهدین در حالات مضیقه.
واضطراری وپیش امدهای غیر مترقبه بمواضع مصئوی دور از ساحه جنگ (شهرپشاور)
۷- سهولت وسرعت تدارکات جنگی ولوژستیکی مجاهدین در حین جنگ چه از نگاه سلاح ومهمات وچه از نظر مواد ارتزاقی ووسائل طبی ورسانیدن مجروحین به شفاخانه ها وشهدا بمراکز امن.
واقاربشان در دیار هجرت وغیره...
۸- رسیدن بموقع مجاهدین تازه دم وگروپهای امدادی برای مجاهدین داخل پیکار در جلال اباد عند الضرورة درحالات اضطراری
۹- بدست گرفتن قوماندهٔ واحد جنگ ازطرف

حاجی دین محمد وزیر امنیت و اطلاعات ومعین وزارت دفاع حکومت موقت مجاهدین در جریان جنگ چندین بار .

۱۰- مجاهدین در ساحه ازادو بجا لت تعرضی موقعیت داشتند درحالیکه مزدوران روس درحالت دفاعی و داخل مواضع شان محصور بودند .

۱۱- نشرات دامنه دار وتبلیغات وسیع رسانه های داخلی وخارجی بنفع مجاهدین وموفقیت های انها که در جنگ جلال اباد جریان داشت ودارد .

ب :- نقاط ضعف مجاهدین :

۱ :- قرار یکه از نشرات رادیوها ، جراید ومجلات داخلی وخارجی استنباط میگردد اکثراً باین عقیده بوده اند که علت عمدهٔ شکست

مجاهدین در جنگ جلال اباد عدم قوماندە واحد و بدون فرماندهی مرکزی وعملیات هم اهنگ و یکپارچه بوده است گرچه در ین شکی نیست که قوماندە وفرماندهی واحد در همه نبردها تاثیر واضحی در موفقیت های رزمی دارد اما نمیتوان همه کامیابیها و یا ناکامیها رامنحصر بدان دانست زیرا چنانچه دیده یم در اکثر نقاط کشور بخون خفته ما جنگ های نامنظم وبدون قوماندە واحد بر مراکز دشمن و پسته های انها انجام گرفته است که اکثراً موفقیت امیز بوده پیروزیهای مجاهدین را بار اورده است و کامیابیهای شایان ذکری در قبال داشته است چنانچه در بیشتر از حملات مجاهدین در دیگر ولایات کشور این واقعیت را بچشم سر دیده و یا شنیده ایم واز جانبی هم باوضع موجود تنظیم های مختلفی که داریم این امر دتوحید صفوف ، ایجاد قوماندە واحد واطاعت از یگانه مرکزیت جنگ. خیلی مشکل وحتی ناممکن

بنظر میرسد معهذا چندین بار نیز در جنگ جلال اباد قوماندهٔ واحد ایجاد شده است ولی متاسفانه که موفقیت امیز نبوده است وحتی بعضاً اکثر زعامت های قیادی تنظیم ها خود شخصاً قوماندهٔ را بدست گرفته در جنگ اشتراک مستقیم نموده و عملیات هم اهنگ راه رهبری کرده اند که همچنان بی نتیجه بوده است، پس معلوم می شود که عامل شکست در جنگ مذکور و تداوم بیش از حد ان تنها فقدان قوماندانی واحد نبوده بلکه عوامل دیگری دارد که کمتر بدان توجه وانگشت نهاده شده است .

۲ - عملیات در جنگهای ازادی بخش بویژه جنگهای چریکی وگریلائی که توسط گروپ های مختلف در اوقات متفاوت انهم از تنظیم ها ودسته های متخالف صورت میگیرد امکان قوماندهٔ واحد را کم می سازد چراکه هرگروپ درحین اجرای عملیات

جنگی از فرمان همان سرگروپ نزدیک وشریک در جنگ خود اطاعت بعمل آورده حملات هم آهنک ویک وقت را انجام میدهند نه بفرمان فرد واحدی که از عملیات آنها نظارت عینی ومستقیم نداشته باشد پس فقدان عملیات هم آهنک ویکپارچه وممتد وپیگیر باعث شکست محسوب می شود نه عدم توماندهٔ واحد ،

۳- ترتیب جنگ ها درین شهر حتی در بین گروپ تنظیم واحدی بی نظم وکوتاه مدت بوده با تناوب عمل شده است بناءً موفقیت بخش نبوده ، بعبارت دیگر هر گروپ به نوبت خود چندین مرمی بهدف وبالای مواضع دشمن پرتاپ نموده وبعد از اندک زمانی وظیفهٔ خود را انجام شده تلقی نموده مرخص شده است ودر فکر این نشده که گروپ های دیگری در حالت جنگ وانداخت بر دشمن میباشند وبدون اینکه منتظر بماند حالت جنگ بکجا میانجامد ـــ صحنه را ترک گفته ورفته است وعلی هذا القیاس تمام واحد های جنگی

۴- بازهم اکثریت مبصرین وصاحب نظران
در جنگ جلال اباد برین عقیده بوده اند که تعداد
مجاهدین در جنگ نسبت به نیروهای دشمن کم
بوده است در حالیکه این تصور درست نیست
زیادت لشکر همیشه عامل پیروزی ونصرت بوده
نمیتواند وچنانچه شاعری گفته است :

سپاهی لشکر نیاید بکار + دو صد مرد جنگی به از صد هزار

حال آنکه تفاوت های افراد هر دو جناح انقدرها
زیاد نبوده است چه تعداد نیروهای دشمن را که
بین ۱۰-۱۵ هزار تن تخمین میزنند در خور سوال
وقابل تامل است زیرا احصائیه دقیقی که مثبت این
ارقام باشد در دست نیست وقول رادیو کابل وافراد
دشمن هرگز قابل باور نمیباشد زیرا بارها دیده شده
که دولت بی صلاحیت کابل برای ترغیب وتخویف مجاهدین
وبزرگ جلوه دادن قدرت خود تعداد نفرات خود را

بصورت مبالغه امیز خیلی زیاد میگوید که بعد از تسخیر مواضع انها معلوم شده است که ربع آنچه گفته بود موجود نبوده است .

وهمچنان نیروهای جهادی راکه در حدود ده هزار نفر تخمین نموده اند نیز اضافه گوئی شده قابل تعمق میدانیم چه کمیت افراد مجاهدین هم یک حسالت نداشته در حالت نوسان بوده است که یکروز زیاد وروز دیگر کم می شده ودر یک وضعیت وتعداد باقی نمانده است وهمچنان کمی تعداد باعث تقلیل ضائعات وتخفیف تلفات میگردد واین بنفع جناحیست که تعداد قوای بشری اش کمتر باشد ونیز شیوه های جنگ های گریلائی ایجاب کمی تعداد افراد رامی نماید تا حملات بسرعت وتلفات در حد پائین خود انجام گیرد .

۵- جنگ جلال ابادنه تنها از قوماندہ واحد

برخوردار نبود بلکه برخلاف قوماندانان متعدد وجبری برانها فرمان میرانند که مجاهدین نمیدانند از کدام یک اطاعت نمایند وفرمان ودستور کدام یک را بجا اورند یعنی درجنگ جلال اباد قوماندە های غیر مسولانه نیز وجود داشت که بدون تحلیل اوضاع جهادی افغانستان ودرک واقعیت های عینی ان فرمانهای امرانه صادر میکردند ومیکنند که ان جریان پیروزیهای جهاد را به بیراهه بردە است .

۷- طرح عملیات بدست اشخاص غیر مسئول ریخته شدە وبدون توجه به نتیجه جنگ باحرص وولع زیاد بانتظار فتح انی عملیات عجولانه براه انداخته شدە است

۸- مجاهدین درجلال اباد فاقد تجارب جنگی اند که سایر مجاهدین در دیگر ولایات

بحقیقت نگردیده خلاف ان ظاهر شده است
بناءً جنگ جلال اباد به بن بست کشیده شده
فرسائشی گردیده .

پس برای اینکه همیشه در بازگوئی حقائق
واقعیت ها در پرده نمانده وروی حدس
وگمان وموهومات ابراز نظر نشده باشد
وبیش از این افکار وانظار معطوف بان
در مغالطه وابهام دور نخورده باشد ناگزیریم
حقائق چندی را پیرامون جنگ جلال اباد
وعوامل تداوم ویا شکست ان تذکر دهیم ودید
مردمی را که از راههای دور وانحرافی بان
مینگرند بواقعیت ها اشنا نموده جریان را
انطوریکه هست بازگو داریم ودیگر موقع ندهیم
باین جنگ که سبب پائین اوردن حیثیت
مجاهدین وشکوه انقلاب افتخار افرین افغانستان

کشور باش مقابله ودفاع در برابر حملات متواتر وتاکتیک
های متنوع وشدید قشون ملحد کمونیست های
سرخ مجهز بانواع وسائل پیشرفته درخلال
یازده سال جنگ اموخته اند ولی اکنون امکان
حصول وفراگیری تجارب وفنون متذکره
برای انها میسر نیست زیرا دیگر ار تش
خون اشام روسی باهمه ساز وبرگ نظامی
وتجهیزات مدرنش موجود نیست که بعدازین
ایشان راهم مانند دیگر مجاهدین باحملات
مشابه ومتعدد بیاموزد جنگی وچریکی بیاموزد
فلهذا اینها بکلی عاری از هنرهای حاصله از
جنگ های چریکی وبرخورد های بالمواجه
باافراد روسی میباشند واین درحالیست که
افراد ملیشه های دولت مزدور وسایر نیروهای
دشمن همه کارازموده ومجرب ازطرز جنگ

ومقابل ارتش سرخ با مجاهدین گردیده اند ومهارت های مختلف جنگی انهارا اموخته اند .

۹- اگر بگوئیم که مجاهدین جلال اباد اکثرا بدون قوماندە ووجود قوماندان جنگیده اند خلاف نرفته ایم بدلیل اینکه اکثریت قاطع قوماندان هان وقوماندانان ، امران وحتی سرگروپان جبهات جهادی جلال اباد علاوه بر بدوش داشتن مسئولیت های سنگین جهادی ، بحیث رؤسا وامران ومدیران دفاتر داخل تنظیم های در پشاور انجام وظیفه مینمایند که برای انها رسیدن بمیدان جنگ وبدست گرفتن قوماندە جنگ مشکل وطاقت فرسا ومخالف وظائف دفتری شان معلوم می شود بناءً جنگ افرادی بدون قوماندە یقیناً که امپیروزی بدنبال نخواهد داشت فلهذا عدم دست یابی مجاهدین به پیروزی

در این جنگ دور از تصور هم نبوده است .

۱۱- در جنگ جلال اباد کسانی اشتراک نموده اند که کمترین تجربه جنگی نداشته وحتی بعضاً صحنه جنگ وبرخورد مسلحانه را هم ندیده اند چنانچه بنا بر تعصبات محیطی و یا رقابت های تنظیمی ، معلمی یکتعداد از طلاب مدرسه مربوط داخل پشاور خودرا جمع کرده بنام جبهه بطرف جنگ جلال اباد سوق داده است ویا مدیر مکتبی شاگردان لیسه را باشتراک در جنگ جلال اباد بنام جهاد تشویق نموده باچند تن دیگر همسپار میدان جنگ گردیده است ویا استاذ مدرسه ومعهدی چند تن از طلاب مربوط را بافتخار اشتراک وسهم گیری درجهاد مقدس افغانستان بمیدان کارزار انتقال داده وبدون داشتن کمترین هنر جهادی ویا فراگیری فن جنگی

وبغیر اموزش قبلی، سلاح بدست گرفته بسوی
دشمن غیر مشخص بامید پیروزی وافتخار
فتح شهر بدست اوفتاخته است وخودوفراد
معیتی خویش را از فراز ماثین های کاشته
شده دشمن عبور داده بانواع مصائب گرفتار گردیده
وبایکجهان مایوسیت وتحمل انواع رنج وعذاب
وتعدادی کشته ومجروح باز گشته است
ویا سرگروپی برای اینکه از دیگران عقب
نمانده باشد یک تعداد از افراد را از کمپها
جمع نموده برای کسب افتخار فتح شهر باخود
بجنگ برده است وبعد از سپری نمودن
ایام نوبتی باسیل شهداء وزخمی ها دوباره
به پشاور مراجعت کرده است وخودرا فاتح
وغازی هم قلمداد نموده است،
۱۲- یکی دیگر از علل تشویق وتحریض

اشخاص غیر مجرب جهت سهم گیری در جنگ
جلال اباد و بالا شدن بر ماین ها و عبور از
سر یکی دو وسیله انفجار تعبیه شده دشمن
فراهمی انواع مواد لوکس ستیکی قیمت بهائی
چون : ابرکوت ، بوت و دیگر تجهیزات و اماده
بودن مواد غذائی پر تکلفی مانند انواع کیک های
متلوّن، کلچه های رنگارنگ مو باتحم ، کریم رول
و گوشت های یخنی شده و مرغ های بریان
و ابهای سرد بوتلی وغیره .... بحیث مائده
اسمانی بوده است که متاسفانه این نعمات
برای ایشان زهر گردیده باعث هلاکت
و یا جراحت شدید وحتی از دست دادن
اعضای مهم بدن گردیده و باندامت ها
باز گشت شده است .

۱۲ - در همه جنگها عموماً و در جنگ جهادی

خصوصاً ثبات و استقامت و حفظ سنگر های جهادی از مسائل دینی، حیاتی و خیلی مهم محسوب می شود که بدبختانه عدم توجه درین بابت در جنگ جلال اباد بکرات دیده شده است که سهولت راه فرار، و اسانی طرق عقب نشینی و موجودیت وسائل باز گشت بمناطق مصئون، کمترین فشار دشمن مجاهدین را مجبور بعقب نشینی نموده صحنه جهاد را ترک کرده باز گشته اند که طبعاً این امر خود روحیه دشمن را بالا برده غیرت مجاهدین را سقوط داده و جرئت اقدام مجدد را از ایشان سلب کرده است.

چون در جنگ های برحق و جهادهای مقدس صبر و پایداری یکی از موضوعات ضروری وشرعی میشبد که یک مجاهد باید به هیچ صورتی میدان مبارزه را ترک نگفته بعقب بر نگردد.

چه بسا اتفاق افتاده است که مجاهدین با وصف
در محاصره قرار گرفتن و مسدود شدن راه فرار
وعقب نشینی شان از طرف دشمن سرسختانه
ودلیرانه از خود مقاومت وپایداری نشان داده
وباوجود کمی افراد وقلت مهمات بر نیروی بزرگ
خصم غالب امده شاهد پیروزی را باغوش کشیده اند
که در اکثر جبهات این معجزه عملاً دیده شده است
که اینها همه از اثر ضیق بودن راه فرار بوده در
حالیکه در جلال اباد چنین مشکلی موجود نبوده است
یعنی گاهی چنان اتفاق میافتد که برای
یکی از دوجانب درگیر راه عقب نشینی مسدود
گردیده افراد ناگزیر میگردند بمقاومت
شجاعانه وجنگ تا اخرین توان ادامه بدهند
که در اثر همین ثبات بر قوای محاصره کننده
غلبه حاصل کرده کامیابی غیر متصور را نصیب گردیده اند.

۱۴- در شریعت غرای محمدی صلی الله علیه وسلم بصراحت هدایت داده شده است که اسیران جنگی ویاکسانیکه تسلیم می شوند حیات وعرض وابروشان در صیانت وحمایت اسلام داخل گردیده از ازار وکشتن شان ممانعت بعمل امده است وحتی از اتلاف حیوانات، قطع اشجار وسوزاندن زراعت واسیب رسانیدن بر پیرمردان وزنان، کودکان ومعذورین واموال ودارای عامه جدا ممانعت گردیده است، باانهم می بینیم که در جلال اباد این هدایات روشن دینی عملی نشده بلکه برعکس اسراء وتسلیم شده گان عساکر وملیشه ها باساس تعصبات ناروا حتی ازطرف اشخاص باصلاحیتی بصورت دسته جمعی بهلاکت رسانیده شده اند که مخالف همه روحیه اسلامی وانسانی محسوب میگردد، ملاحظه میگردد که

این عمل نابجای مقامات ناعاقبت اندیش در سرسختی و مقاومت افراد جانب مقابل که هر لحظه تمایل بفرار و پیوستن بصفوف مجاهدین از خود نشان میدهند، افزوده و این عمل در انها تاثیر بد نموده عقده و کینه توزی شان را در برابر مجاهدین تشدید بخشیده باعث تداوم جنگ گردیده است .

۱۵- چنانکه همه میدانیم که جنگ افغانستان یک جنگ برحق وجهاد مقدس و یک مکلفیت اسلامی میباشد بنا بران لازم است مطابق بهدایت اسلام نیز دران عمل شود چنانچه فوقاً نیز بدان اشاره رفت که با ثبیت همه اموال ودارای وعرض وناموس ودین وایین مردمان درامان باشد وکس بیموجب بالای کسی یا چیزی تجاوز ناحق ننماید ولی بدبختانه

در جنگ جلال اباد برخلاف این دساتیر عمل شده وجنگجویان وگروهای مقاومت در هر خانه و یا ملکیت شخصی و یا بالای هر قبیل دارایی اعم از مردم و یا دولت که دسترسی پیدا کرده اند انرا یکسره بغارت برده باسم غنیمت از ان خود نموده اند و با افتخار و مباهات بر اموال و دارایی دیگران تصرفات ناجائز و مالکانه نموده اند و مردمانی را که ارزو داشتند در تحت سایه وحمایت مجاهدین در صیانت وامنیت بهتری بسر برند در تشتت وپراگندگی وبی خانمانی واوارگی مواجه گردیده اواره، محتاج ومضطر شده مجبور بترک خانه وکاشانهٔ خود گردیده اند که این عوامل هم سبب تضعیف شهرت نیک مجاهدین شده ارزش واهمیتی را که نزد مردم واهالی مناطق

در سطح کل و مجاهدین واقعی ننگرها بصورت
احضن جهاد گران مومن و متعهد با سلام کشور را
بکلی در حالت سقوط نشان میدهد به عین
نگاههای نگریسته نشود که تاکنون دیده شده است
بلکه میخواهیم رویدادها را انچنانیکه بوده بیان
داریم و با تنویر ذهنیت ها از حالات انحرافی
براه راست، موضوعات را مشخص و روشن
سازیم و بجرأت بگوئیم که شکست مجاهدین
در جنگ جلال اباد و بدرازکشیده شدن ان
درین شهر، شکست و ضعف مجاهدین
در سایر جبهات جهادی بحساب نیامده
بلکه هیبت و پیروزی مجاهدین درسطح کل
و شکست و رسوائی فرار روس از کشور هنوز
بحال خود باقی بوده ارزش و مقام خود را حفظ نشد

تحت اشغال دولت کمونست کابل داشتند از دست داوند دمروم بعوض توجه بایشان از انها قلباً روی گردان شده اند.

۱۲- در جنگ های برحق وجهاد های مقدس همیشه هدف رضای خداوند جل جلاله واعلای کلمة الله میباشد نه چیزی دیگری پس در هر جنگی که مقصود از ان چیزی دیگری ویا بدست اوردن اموال و غنائیم باشد یقیناً ان جنگ از حالت تقدس وبرحق بودن خارج گردیده حالت نامشروع را بخود میگیرد، وهر جنگ وجهادی که غرض از ان بدست اوردن مال و متاع غنیمت باشد هرگز بموفقیت ونصرت قرین نشده برعکس سبب شکست وبدبختی میگردد چنانچه این امر را در جنگ احد بوضاحت دیدیم که تلاش پی بدست اوردن

غنایم با تخلف از امر و تاکید حضرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم حالت جنگ را دیگرگون نموده وضعیت اثرا از حالت پیروزی بحالت شکست برگردانید که حتی سبب به شهادت رسیدن دندان مبارک حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم گردیده چیزی نمانده بود که باز سرنوشت جهان اسلام تغییر خورده بهمان حالات ظلمانی وگمراهیهای قدیم برگردد .

پس هر جهادیکه بمنظور بدست اوردن غنایم براه انداخته شود بدون شک نتیجه اش همان شکست افراد خودی و پیروزی دشمن خواهد بود .

لهذا در جنگ جلال اباد نیز سهم گیری واشتراک اکثر افراد ردی همین ملحوظ بوده که نتیجه جنگ چند ماهه نیز انرا بخوبی واضح ساخته است که احدی نمیتوانند از ان انکار نماید .

بلی کسانیکه در جنگ چند ماهه جلال اباد بمقصد جمعاوری غنیمت و اموال عزیمت نموده اند با فرجام جز ندامت هلاک ، جراحت ، هزیمت وغیره ... باز نگشته اند .

۱۷- عمده ترین نقص که در جنگ جلال اباد بود اینست که در جلال اباد جنگ بین خود مردم محل جریان دارد بدین معنی که از یک فامیل یکنفر در صف مجاهدین ونفر دیگر درصف دشمن قرار دارد وحتی دیده شده که فامیل نفر در کمپ های مهاجرین در پشاور باداشتن راشن پاس زندگی دارد وخود شخص درصف دشمن درجنگ نامقدس علیه مجاهدین در پیکار است ... پس وای برحال مجاهدینیکه بااین وضع بامید ازاد سازی منطقه باشند (۱)

(۱) از ذکر اسماء اشخاص نظر بعفت قلم خودداری نمودیم .

همچنان برادران مجاهد جلال اباد باین ها اکتفا نکرده با استفاده از تعصبات نابجای قومی اجازه نداده اند مجاهدین و مبارزین راه ازادی واستقرار اسلام کا افغانستان از سایر ولایات در جنگ ان اشتراک و سهم بگیرند بلکه خواستند فتح جلال اباد بصورت شخصی و اختصاصی انجام بگیرد که نشد ،

۱۸- یکی دیگر از عواملی مهمیکه میتواند در سقوط شهر جلال اباد زیاد مؤثر باشد قطع شاه راه اکمالاتی نیرو های افراد حکومت مزدور کابل مستقر در جلال اباد میباشد که متاسفانه قطع این راه هم بصورت نوبتی وبدون احساس مسئولیت صورت میگیرد که باکمترین فشار یا تطمیعی راه باز گردیده محاصره چندین روزه امدادرسانی دشمن میشکند و دشمن اکمال میگردد وبعد هم باز بدون مقدمه

راه قطع و بسته می شود و مسئولیت این امر را گروپ یک تنظیم بدوش گروپ تنظیم دیگر میگذارد و بدین ترتیب محاصره جلال آباد را محاصره چندین ماهه می نامند، یعنی هنگامیکه قواه دشمن بیاید راه باز است دهی وقتیکه نیاید راه بسته است و محاصره برحال (۱)،

۱۹- قرار یکه در سروی دیرهی که در سالهای گذشته از جبهات و قرارگاه های جهادی ولایت ننگرهار بعمل آمد در قرارگاه ها و غند ها ئیکه از یکصد تا (۳۰۰) نفر مجاهد اعاشه و خرچ برده می شد از (۲-۱۴) نفر مجاهد بیشتر دیده نشده است و هیچکس هم علت این امر را پرسان نکرده که چرا چنین بوده است و با این وصف قرارگاه ها و غند های مجاهدین این ولا و بیرون از میهن داخل مرز

(۱) نشریه وحدت منتشره پشاور گواه این مدعا است ،

پاکستان میباشد که کنترول وادامه بلاانقطاع عملیات
جهادی از مراکز دور خیلی مشکل وغیرمفید خواهد بود،
پس باچنین وضعیتی درجهاد انتظار بردن موفقیت
دور از منطق خواهد بود .

۲۰- مردم مسلمان ننگرهار مانند ولایات شرقی
وجنوب شرقی کشور از لحاظ زندگی وضع بهتر
یافتند وحالت معیشت شان نسبت بر قبل از
انقلاب بر فاهیت واسوده حالی گرائیده وزندگی
اسوده تری پیدا نمودند ، پس طبیعتا هر
مردم واجتماعیکه از حالت تهدستی بحالت
اسوده حالی وغنا ارتقا نماید بدیهی است که توجه
واهتمام شان بر طبق گذشته در امور کمتر شده
رو به بی اعتنائی و سهل انگاری میرود ، از این
است دوکر عدم توجه بامور جهاد وسر وسامان
بخشیدن بر نظم ودسپلین ان درین جا محسوس

وحتی ملموس گردیده است .

۲۱- گرچه تا اندازه عامل عمده که مجاهدین را در جنگ جلال اباد رو بعدم پیروزی وناکامی اورده نبودن قومانده و فرماندهی واحد میباشد ولی قراریکه از جریان جنگ چندین ماهه ران معلوم گردیده مجاهدین نه تنها دارای قومانده واحد نیستند واز یک مرجع امر اطاعت ندارند بلکه قومانده از دست مجاهدین وفرماندهان جهادی در جلال اباد بر امده واصدار دساتیر جنگی از اختیار ایشان خارج شده است بنا رفرماندهان جنگ درجلال اباد کسانی دیگری اند که تقریباً از وضع جنگ وجهاد در افغانستان بی خبر وغیر واقف میباشند پس جنگی بدین وتیره طبعاً نتیجه جز شکست و رسوائی چیزی دیگری

در پی بخواهد داشت که همانطور هم شد .

نقاط قوت وضعف دشمن :

همانطوریکه قبلا نکات قوت وضعف مجاهدین را در رابطه بجنگ جلال اباد برشمردیم چون این مسائل باعث تغییرات اساسی در روند انقلاب میگردند و نقش عمده را در سرنوشت جهاد بازی میکنند فلهذا لازم است نقاط قوت وضعف دشمن هم که در زمینه بی تاثیر نیست ارزیابی گردد !

الف : نقاط قوت دشمن :

۱- قبل از همه یگانه عاملیکه باعث تقویت نیروهای دشمن در جنگ جلال اباد گردیده است همانا وجود دژ های مستحکم سابقه و مواضع ضخیم

وسنگرهای قوی وتونل های طویل دارتباطی زیرزمینی دولت میباشد که از سالیان درازی بدین سو موجود بوده ودر تحکیم هرچه بیشتر ان بیش از پیش بذل مساعی وفعالیتهای خاصی نیز صورت گرفته است که این مواضع نیرومند دولتی دشمن بامقایسه با سنگرهای سیار و متحرک وغیر مستحکم مجاهدین چون قلعه های قوی دفاعی واستراتیژکی محسوب می شود که رخنه کردن در انها بآسانی و سادگی امکان پذیر نمیباشد .

۲- دشمن علاوه بر مواضع مستحکم یادشده از حمایت و پشتیبانی نیروی پیشرفته هوائی و بم افگن های سریع السیر اخرین مدل روسی وقوای سنگین زمینی تانک ها و توپ های ثقیل ودوربرد نیز برخوردار است که مجاهدین فاقد هرنوع این گونه سلاحها میباشند و نیروی دشمن بوسائل عصری

بسویه دولت انهم در مسیر باضافه همه کشور های بلوک کمونیزم مجهز است حال انکه مجاهدین بشکل افراد پراگنده، متحرک و پارتیزانی بفعالیت ومقاومت میپردازند که هرگز با قوای دولتی برابر ومقایسه شده نمیتوانند .

اینجا تصور نشود که دیگر روسها درافغانستان وجود نداشته خاک انکشور را ترک نموده اند ومستقیماً درجنگ دیگر اشتراک ندارند وتنها خودمردم افغانستان است که می جنگند - اما اگر در ظاهر وضع چنین باشد در خفا حقیقت طور دیگر یست زیرا هنوز تعداد زیادی از روسها بنام مشاورین وکارشناسان درافغانستان وجود دارند که تعداد شان خیلی زیاد بوده و هنوز بنام کارشناسان نظامی وزمام بدست جنگ افغانستان فعالیت می نمایند واگرهم روس سرخ رفته است جایش را

بلی شکست یک جبهه هیچگاهی مفهوم انهزام
جبهات پیروزمند ودشمن شکن دیگررا نمی دهد
چه در یک جنگ اینچنین طولانی انهم با شرائط وامکانات
فوق العاده متفاوت ونابرابر ، شکست وپیروزیهای
هم بوقوع می پیوندد وهرپدیدهٔ بدین سنگینی ووسعت
باید نشیب وفراز های راهم بپیماید که جنگ جلال اباد
نیز یکی از همین گونه واقعات است ، باین حساب
عدم پیروزی فوری مجاهدین درجنگ جلال اباد
به موفقیت های چشمگیر وارزشمند مجاهدین
مسلمان وانقلابی کشورکوچک مان افغانستان
درسایر نقاط کمترین صدمه واردکرده نمیتواند ،
این تبلیغات را اجانب وخود فروختگان بی حمیت
وحامیان لادین شان دامن میزنند وانزا وارونه
جلوه داده حقائق را معکوس وانمود می نمایند .
واینک ماحقائق را تا انجاکه بما معلوم شده است

روس سیاه ، هندیها ، پر کرده اند و عوض انها بحیث دشمنان انسانیت بخدمت گرفته شده اند که در حدود بیش از (۴۰۰) نفر کارآگاهان نظامی و پیلوتان ماهر آن همین اکنون در بمباری مجاهدین و مواضع ایشان مستقیما داخل جنگ اند .

۳- ارتش منظم و کار ازموده دشمن در جلال اباد تا حال کمترین ضربه از جانب مجاهدین ندیده و فکر شکستی هم تا کنون در مخیله شان خطور نکرده است بناءً بهمان حالت شکست ناپذیری و روحیه عالی باقی مانده اند .

۴- افراد ملیشه هایکه نظر به بعضی عوامل از پسته های شکست خورده و خورد شده شان بدست مجاهدین در نقاط و ولایات و مناطق دیگر جان سالم بدر برده اند درین مرکز

بجمع نموده باشعار مرگ یا پیروزی بدفاع
ومقاومت جاهلانه خویش ادامه میدهند
که این حالت سبب تقویت روحیه افراد
سابق مستقر دران گردیده برای انها هم ذهنیت
تفوق طلبی وغلبه برمقابل را بخشیده است وازجانب
دیگر برای انها چنان تلقین گردیده که مجاهدین
به محض بدست اوردن افراد دولتی وملیشه های
ان، انهارا زنده نمیگذارند ویکسرا اعدام میکنند
پس برای یک افغان لازم است قبل ازاینکه بامرگ
دراسارت مواجه شود بهتر است درسنگر بمیرد
که این امر درآنها تاثیر نموده درمقاومت شان سرسختتر
ساخته است .

۵- درمواضع جلال اباد افراد جنگ دیده
ومجرب جمع گردیده اند که درجاهای دیگر
باحملات شدید ومکرر مجاهدین روبروگردیده

انواع طرز جنگ هاو اقسام روش امزا فرا گرفته اند و باضافه ان از اصول وروش های جنگی اردوی مرتب ومنظم قوای سرخ نیز اندوخته های حربی وضد چریکی حاصل کرده اند پس برای مقاومت در برابر هرگونه پیش امد وحملات امادگی دارند .

۶- دیگر از نقاط قوت دشمن دراین جنگ وجود اشخاص وافراد سازمان دیده وتنظیم یافته آئین سخیف کمونیزم میباشد که ذهنا وفکرا اگر دیده مسلک پوچ کمونستی گردیده از دل وجان بدفاع از ان حاضرند وغیرازان دیگر به هیچ مسلک وائینی عقیده وایمان ندارند فلهذا تا اخرین رمق از عقیده الحادی وباطل خود دفاع نموده استادگی نشان میدهند ،

واز جانبی هم پوره متیقین اند که اگر با این چهره کثیف شان وبا بر داشتیکه از مجاهدین

دارند بدست مجاهدین غیور ومردم مسلمان کشور بیفتند ادامه حیات برایشان ناممکن خواهد بود بناء بناگزیر در دفاع از مسلک مردود کمونستی خویش تا انتهای درجه مقاومت و پافشاری میدارند.

۷- غافل نگهداشتن افراد مزدور داخل شهرها بویژه شهرهای همرز پاکستان چون جلال آباد از واقعیت های برون مواضع وجریانات داخل کشور بوده که مردم قبل از اینکه عقاید ضد جهادی را کسب نمایند چنین ملقین وتبلیغ شدند که شما در دفاع از خاك ، ناموس ، وسرومال خویش که مورد تجاوز کشور های امپریالیزم وارتجاعی قرار گرفته است حق بجانب بوده در موقف دفاع مشروع میباشید که طبعاً درینحالت اگر کشته شوید شهید واگر بکشید غازی ، فاتح ونجات دهنده وطن ناموس وجان خویش شمرده میشوید

ونظر بمراتبت های جدی افراد خاد ومشاگردان
کا، جی، بی موظف اندرون افراد مذکور جزء ترین
اطلاعی از برون غیر از این بدست اورده
نتوانستند و تامدت ها وحتی فعلاً هم به همین
عقیده اند که خاکشان از جانب کشور های
مداخله گر پاکستان، امریکا، چین، ایران
ودیگر دولتها مورد تجاوز قرار گرفته است
که باید نظر به غیرت وشهامت افغانیت در
برابر ان قیام کرد وجواب بالمثل داد،
وحتی که هجوم بیشرمانه وعریان روس
متجاوز واشغالگر ظالم وناقض همه اصول شناخته
شده بین المللی را، حامی، پشتیبان، برادر
وهمسایه وکمک کننده وغیره وغیره وانمود کرده
اند که ایشان هم بدون تعقل وتأمل انرا باور
کرده در دفاع از ان وهمنوائی با ارتش خون

خوار روس سرسخت قوگر دیده اند ونتیجه هم-

همین است که می بینیم .

۸- بهترین تاکتیک راکه تاکنون نیروهای مزدور

در مقاومت با مجاهدین بکاربرده اند -

تمرکز شان در مواضع مستحکم مرکزی

شهر جلال اباد بوده که انها در ین ستراتیژی

خود اگاهانه یا غیر اگاهانه، میخواستند

یانه اهداف ذیل را بدست اورده اند .

الف- تجمع شان در یک موضع مستحکم

وقابل اطمینان دفاعی .

ب- جلوگیری از تلفات سنگین وشکست

حتی در برخورد پراگنده شان در مواضع

متعدد وپسته های زیاد در مقابل هجوم شدید

مجاهدین احساساتی .

ج- نشان دادن شکست تاکتیکی خود

برای مجاهدین بارها کردن مواضع دور دست
چون پسته های طورخم ، غازی اباد وحتی غندثمر
خیل وفارم هده وغیره برای مجاهدین .

د - پیش کشیدن مجاهدین در ساحه
تیررس سلاحهای مختلف ثقیل وخفیف خود
وبدین ترتیب کشیدن دامن جنگ بداخل
ساحه نفوذ خود ودر اوردن ان از حالت
چریکی بحالت جبهی که مخالف طاقت مجاهدین
بوده ودرست هم نبود که نتیجه نادرست هم ببار
اورد .

ه - کشانیدن پای مجاهدین بالای ماین
های فرش شده در تمام نقاط غیر مشخص و به
تلف رسانیدن انها بدون کمترین برخورد با مواجه
باانها .

۹- جنگ را با ترکهای مختلف حمله وگریز

تدادم بخشیدن وانرا باتبلیغات وسیع بحیث
نشان دادن قدرت دفاعی خود برخ جهانیان
کشیدن وبنفع خویش بهره برداری کردن

۱۰- درمراحل اول جنگ خودرا بحالت دفاع
قرار داده جز دفاع از حملات مجاهدین
وجواب بالمثل بدا تش باریهای انها دیگرعکس العمل
نشان ندادند تا اینکه باشکست های مکرر
مجاهدین جنگ را به بن بست کشانیده
روحیه مجاهدین را ضعیف نموده روحیه
خودرا تقویت بخشیده جرئت خروج از
مواضع خودرا پیدا کرده به حملات تعرضی
اقدام نمودند تا انجاکه بعضی از مواضعی
راکه مجاهدین درحملات نخست خودشان
بدست اورده ازاد ساخته بودند دوباره بدست
اورده مجاهدین را بعقب نشینی مجبور

نموونه مانند غند شمرخیل ، پسته های اطراف میدان هوائی وغیره

۱۱- بجاگذاشتن بعضی اموال وچیزهای بنام غنیمت برای مجاهدین تعقیب کننده وتشویق وترغیب انها در بدست اوردن غنیمت ومصروف نگهداشتن ایشان درین زمینه .

۱۲- داشتن اطلاع کامل ازوضع کمی وکیفی مجاهدین وموقف های تنظیم های مربوطه هرکدام وطرز برخورد انها باهمدگر وخواستهای نفسی هر یک انها ودرک ارتباط ایشان باافراد مربوطه اش درشهر .

۱۳- ردیابی مواضع اتش مجاهدین وکوبیدن ان توسط قوای هوائی وتوپ های دور برد زمینی دیدن وسیله وارد کردن تلفات سنگین برمجاهدین

۱۴- تهیه دیدن ضروریات تسلیحا تی -

ولو ترستیکی وغذائی وغیره بصورت وافر وبرای مدت مدیدی وانباشتن ان در انبار ها وذخائر داخل مواضع مستحکم شان برخلاف پندار بعضیها ....

۱۵- تشدید تبلیغات و نشر فعالیت ها ومقاومت های شان در رسانه های گروهی ورادیوئی توأم با ادامه جنگ بنفع نیروهای شان ونشان دادن نکات ضعف مجاهدین در رادیو تلویزیون ونشرات دولتی وغیره .

ب- نکات ضعف دشمن :

۱- نیروهای دشمن اگرچه باقرار دادن خویش در مرکز واحد از یک نگاه باعث تقویت خویش گردیده اند ولی از نظر اینکه خودرا بدست خود در محاصرهٔ مجاهدین قرار داده اند حالت

بی پرده ابراز میداریم تا ذهنیت های تاریک وافکار مسموم از انجماد وضلالت برامده حقائق را کماهو بنگرند وخواهشمندیم از شنیدن ودیدن حقائق که طبعاً چون دوای مفید تلخ است احساساتی نشده باحوصله فراخ وقضاوت بیطرفانه حکم کنند وبر لغزشها واشتباهات غیرعمدی من نیز بنظر اغماض نگریسته منت گذارند .

والسلام

شاه محمود (خرو)

ضعیفی را بخود گرفته اند که واقعاً اگر مجاهدین

با استفاده از تاکتیک های مخصوص و حملات

هم اهنگ و دوامدار جنگ را پیش میبردند

البته و بدون شک که به سرنوشت ایشان رسیدگی

بعمل امده بکارشان خاتمه داده می شد .

۲ـ باشکست واضح وفرار عینی افراد ارتش

مجهز روسی از افغانستان طبعاً شکست

نیروهای باز مانده واذناب شان را نیز حالت

قطعیت بخشیده سقوط حتمی ایشان را بدیهی

ساخته است خصوصاً ان افرادیکه از حملات

جان بازانه مجاهدین از مواضع فراری دیگر

شان که جان سالم برده باینجا عقب نشینی کرده

اند دارای روحیه خیلی ضعیف و شکست خورده بوده

که اگر با وسائل وذرایع بالا تقویت نمیشدند

شکست وگریزشان نیز یقینی بود .

۳- دشمن به شکست خود در جنگش با مجاهدین که خود بوده یقین دارد که این جنگ نا مقدس ونا مشروع و تحمیلی بوده و به هدایت باداران خارجی اش در وسیر ملحد ، پیش برده میشود باور کامل دارد ومیداند که مجاهدین درین جنگ برحق و برنده اند فلهذا هرقدر یکه در پافشاری خویش درین جنگ مصر باشند واضحاً بهمان اندازه در تقصیر وجرم خویش میافزایند .

۴- بزرگترین ومهلکترین نقطه ضعف دشمن همانا عدم عقیده وایمان بمبدأ قابل اطمینان وتسکین دهنده خطرات در حالات بحرانی میباشد که انهارا موجود نیست زیراکه این امر برای انها امیدی باینده سعادتمندی باقی نمیگذارد که ان ایمان بمبدأ هستی (وجود خداوند جل جلاله) وروز واپسین است .

ارزیابی مختصر :

انقلاب اسلامی افغانستان که بحیث یک مکلفیت دینی بعنوان جهاد اغاز گردیده حاوی وجائب وشرائطی میباشد که بایست برطبق ان عمل شود چون یگانه هدف عمده جهاد مقدس اسلامی رضای خداوند جل جلاله واعلای کلمة الله وبرافراشتن لوای توحید وتطبیق احکام شرعی درجامعه میباشد که جهاد با داشتن این اهداف نصرت خداوند رج، را شامل وپیروزی مجاهدین را ضامن میگردد که درغیر ان یقیناً جهاد از راه اصلی منحرف گردیده نتیجه لازم وهدف مطلوب را بدست نمیدهد پس لازم است پروسه جهاد الطوری یکه ایجاب می نماید عمل گردد ، منظور ما ازهمه

جنگها و محاربات باید خاص جنگهای مشروع و برحق وجهاد برضای خداوند (ج) باشد نه غیر ازان معذلک در مفهوم واقعی جهاد چیزهای غیر ازین گنجایش ندارد .

چون در جلال اباد جهاد از خط اصلی خود منحرف گردیده بر جهات وزوایای غیرحقیقی سیر می نماید لذا مشتمل بر موفقیت نشده است ، ولی جهاد با تعصبات وخواهشات نفسی وگرائیشات قومی واختلافات نژادی ، لسانی و قبیلوی مفهوم خود را از دست میدهد ، پس اگر خواستر باشیم جنگهای ما در همه جبهات بخصوص در جلال اباد بجهاد واقعی وجنگ برحق تبدیل گردد باید ازین دساتیر پیروی شود ومطابق ایجابات وشرائط ان فتار گردد



از شرائط اولی جهاد اینست که الزاواقعاً بحیث یک وجیبه دینی واسلامی قبول کرده صبر

واستقامت، اخوت وبرادری را پیشه سازیم
باگذشت و بردبار باشیم ، هدفی غیر از پیروزی
اسلام نداشته باایجاد صف مرصوص ومستحکم
در اتحاد وهم اهنگی کامل از فرمان وحد اسلامی
صادقانه اطاعت نمائیم باپذیرش انواع
مصائب و ناگواریها تن درد هیم باگرسنگیها
ساخته وبی خوابیها را بجان قبول کنیم ، از
پیروزیهای انی وزودگذر مغرور نشده
باشکست های غیر مترقبه از جادر نرویم، از جهاد
وسیله تفریح وتبدیل هوا نسازیم ....



در جنگها عموماً وجهاد خاصتاً قطعاً باید
اصول کلی انرا رعایت کنیم وانرا مطابق برنامه
درست جنگی وپلان سنجیده شده جهادی
عمل نمائیم ، از وضع جهاد باید نظارت دقیق
وهمه جانبه بعمل اوریم، نتایج انرا مرحله بمرحله

تعقیب و بررسی کنیم و کارهای مفید و یا مضر
انزوا رزیابی و از هم تشخیص نمائیم، از مصارف
اضافی و بیجای مواد و ضیاع مهمات جنگی وغیره
جداً جلوگیری بعمل آوریم، حتی المقدور ارشادات
اسلامی را در جهاد مرعی نموده با یک فکر عاری
از همه الائیشها بجهاد بپردازیم وآنرا تا مرحله
نهائی پیروزی، صادقانه و با شکیبائی دنبال نمائیم.
- تا مورد ترحم و نصرت الهی قرار گریم والسلام

۲۱-۱-۱۳۶۸

موقعیت جغرافیائی جلال اباد

جلال اباد نام شهر یست در مرکز ولایت ننگرهار
در شرق افغانستان با فاصله (۶۰) کیلومتر با مرکز کشور
اسلامی پاکستان موقعیت داشته در حدود یکصد کیلومتر
با ایالت شمال غرب پشاور پاکستان همسرحد میباشد
واز طرف جلال الدین اکبر یکی از شاهان مغولی در
سالهای قبل اساس گذاشته شده وباین نام مسمی گردیده است
ونظر بارقام منتشره سال ۱۳۴۵ احصائیه وزارت
داخله افغانستان درحدود هفتصد هزار تن نفوس داشته (۱)
ویکی از ایالات گرمسیر کشور بحساب رفته از سطح
بحر در حدود (۸۰۰) متر بلند میباشد ومردم مسلمان
ان اکثراً با لهجه مخصوص بخود شان بزبان دری تکلم میکنند

(۱) ممکن فعلا در حدود هشتصد هزار نفر بالغ شده باشد .

بسم الله الرحمن الرحیم

جنگ جلال آباد

نویسنده

شاه محمود ،خرد،